



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

گزارش سیاستی

الزامات سیاستی جهت پیاده‌سازی سازوکارهای پرداخت گرنت پژوهشی به دانشجویان
دکتری و پسادکتری

مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

خرداد ماه ۱۴۰۲



گزارش سیاستی

الزامات سیاستی جهت پیاده‌سازی سازوکارهای پرداخت گرنت پژوهشی به دانشجویان دکتری و پسادکتری

تهیه‌کننده:

رضا نقی‌زاده (عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور)

نشانی: میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز جنوبی، خیابان دکتر قانع‌راد، شماره ۹

وبگاه: www.nrisp.ac.ir

تلفن: ۸۸۰۳۶۱۴۴



دانشجویان دوره دکترا و پژوهشگران دوره پسادکترا در نظام های آموزش عالی برتر در دنیا به عنوان شغل پژوهشگر شناخته می شود. در دوره های روزانه دولتی، پژوهشگران ما به ازای این تلاش علمی حقوق دریافت می کنند. نظام تامین مالی برای دوره های دکترا و پسادکترا در دانشگاه های دنیا تابع ضوابط مشخصی می باشد. در ایران هم اکنون چنین شرایطی وجود ندارد و دانشجویان دوره دکترا، همچون دانشجویان دوره کارشناسی حضور کوتاهی در دانشگاه دارند و به مثابه محصل می باشند و به عنوان پژوهشگر تمام وقت قلمداد نمی شوند. جذب آنها نیز تابع فرایند عمومی گزینش علمی می باشد. در دوره پسادکترا نیز در کشور، هنوز نظام مبتنی بر گزنت و به طور کلی نظام تامین مالی مشخصی وجود ندارد و عمده تامین اعتبار تاکنون از محل منابع پژوهش و فناوری دانشگاه ها بوده است. در این تحقیق ۱۴ الزام سیاستی برای پیاده سازی نظام تامین مالی مبتنی بر گزنت ویژه پژوهشگران دکترا و پسادکترا ارائه شد. این ۱۴ الزام در سه بعد تامین مالی پایدار، نظام تخصیص و سازوکارهای ارزیابی و نظارت تدوین شد. الزام های شناسایی شده در این پژوهش که از مطالعات گسترده مستندات موجود و مصاحبه با متخصصان بدست آمده بود، در قالب سه بعد اصلی قابل تحلیل است. بر این اساس ۴ الزام در بعد تامین مالی پایدار، ۶ الزام در سازوکار تخصیص گزنت و ۴ الزام در شناسایی و ارزیابی طرح های هزینه کرد گزنت شناسایی شدند.

در بعد تامین مالی پایدار، ۴ راهکار سیاستی الف: تخصیص ردیف بودجه مستقل برای تامین مالی گزنت در بودجه وزارت عتف، ب: افزایش منابع مالی مبتنی برگزنت به وزارت عتف، ج: ایجاد صندوق گزنت در ذیل وزارت عتف برای ایجاد گزنت بادی پژوهشی کشور و د: اهرمی نمودن منابع در دسترس وزارت عتف با منابع در دسترس دانشگاه ها و دستگاه ها و مجموعه های صنعتی و اقتصادی پیشنهاد گردید. راهکارهای مذکور به سه چالش عدم تخصیص به موقع و پیش بینی پذیر منابع مالی به وزارت، میزان ناکافی منابع مالی تخصیص یافته به وزارت عتف و نبود سازمان تخصیص دهنده منابع مالی در وزارت و اتصال گزنت های پرداختی به بودجه سالیانه پاسخ می دهند. در این راستا در بودجه سال ۱۴۰۰، ردیف ۵۰ میلیارد تومانی برای این امر از محل فروش اموال و دارائی های دولت پیش بینی شده است که به دلیل عدم پایداری منابع تا آخر آذرماه تخصیص نداشته است. همچنین اصل تاسیس صندوق شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری در جلسه ۸۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۱ به تصویب رسید. همچنین در این مصوبه تدوین اساسنامه بر عهده وزارت عتف و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است که می تواند با برنامه ریزی مناسب و توجه به راهکارهای سیاستی مطرح شده بستری مناسب جهت توزیع منابع گزنت اعطایی از سمت وزارت باشد. همچنین وزارت بایستی پی گیر منابع ثابت در بودجه خود باشد. البته یکی از پیشنهاداتی که در مورد اعطای گزنت می شود تبدیل آن به وام می باشد که با ماهیت حقوق بودن گزنت در تعارض است. همچنین نیاز است در برنامه ای زمان بندی شده سهم دانشجویان دکترای روزانه دولتی (که تمایل به حضور تمام وقت به عنوان پژوهشگر دارند) که امکان دریافت گزنت دارند افزایش یابد. همچنین در برنامه کلان شماره ۱۷ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ارائه شده به مجلس شورای اسلامی نیز وعده بکارگیری ۲۰ درصد از دانشجویان دکترا به صورت پژوهشگران تمام وقت مدنظر قرار گرفته است که این مورد نیز می تواند در جهت دهی منابع بیشتر به این موضوع موثر باشد.



در بعد سازوکارهای تخصیص گرنت، ۶ راهکار سیاستی مدنظر قرار گرفته است. راهکار سیاستی اول تعیین شاخص‌های اولویت بندی دانشگاه‌ها و تعیین سهم دانشگاه‌ها جهت تخصیص منابع مالی مبتنی بر گرنت است. راهکارهای دیگر نیز به ترتیب شامل ایجاد سازوکار داوری پروپزال در سطح دانشگاه‌ها و وزارت، تعیین دقیق و شفاف شاخص‌های اعضای هیات علمی واجد شرایط به عنوان استاد راهنما و میزبان با توجه به ویژگی‌های علمی و ارتباط با جامعه و صنعت، تعیین دقیق و شفاف شاخص‌های متقاضیان (دانشجویان دکترا و دانش‌آموختگان) واجد شرایط جهت بهره‌مندی از گرنت، اصلاح نظام جذب دانشجویان دکترا مبتنی بر تامین مالی دوره‌ها، اثرگذاری جذب گرنت بر ترفیع و ارتقای اعضای هیات علمی است. به صورت ویژه این راهکارهای سیاستی به چالش‌های نبود سازوکار مشخص در انتخاب پژوهشگران دوره دکترا و پسادکترا برای دریافت منابع گرنت و نبود سازوکار مشخص جهت ارزیابی پروپزال‌های دریافتی توسط اعضای هیات علمی و شرایط آن‌ها جهت تعیین به عنوان استاد میزبان جهت گرنت‌های دریافتی از وزارت می‌پردازد. توجه به توزیع مناسب منابع هم در سطح رشته‌ها و هم در سطح استان‌ها و دانشگاه‌های مختلف یکی از محورهای کلیدی سیاست‌های این بعد است. همچنین اثرگذاری دریافت گرنت توسط اساتید میزبان بر نظام جذب پژوهشگران، ویژگی‌های اساتید میزبان پذیرنده پژوهشگر، ترفیع و ارتقاء اعضای هیات علمی در سیاست‌های این بعد تبیین شده است. باید به این واقعیت توجه داشت که موضوع پژوهشگری تمام وقت صرفاً یک فعالیت پژوهشی نیست. بلکه یک موضوع آموزشی و مهارت‌آموزی نیز است. دوره‌های دکترا و دوره‌های پسادکترا یکی از مهمترین ساختارهای آموزش عالی در کشورهای پیشرو دنیا می‌باشند. در ایران نیز در دو دهه اخیر، تحصیلات تکمیلی و همچنین دوره‌های پسادکترا رشدی فزاینده داشته است. در دانشگاه‌های پیشرفته در مقطع دکترا و حتی پسادکترا، پژوهش آموزش محور مورد تاکید قرار می‌گیرد. در پژوهش آموزش محور، آموزش از رویکردی تک‌ساحتی مبتنی بر یادگیری محفوظات به سمت رویکردهای چندساحتی حرکت می‌کند. این بدان معنی است که پژوهش به عنوان رکن اصلی دوره‌های تحصیلات تکمیلی در قالب سازوکاری تقاضا محور و کارآمد فرایندهای آموزشی به ویژه یادگیری تجربی^۱ را تقویت می‌نماید.

اما در دانشگاه‌های معتبر دنیا چگونه پژوهش آموزش محور و دارای متقاضی اتفاق می‌افتد؟ در دانشگاه‌های معتبر دنیا، پژوهشگر دوره دکترا و پسادکترا یک شغل قلمداد می‌شود و شغل بودن سه معنی ویژه در بردارد: ۱: پژوهشگر تمام وقت است ۲: پژوهشگر به ازای تلاش پژوهشی خود حقوق می‌گیرد ۳: پژوهشگر از مزایای یک شغل همچون بیمه برخوردار است. در این نگاه شغل پژوهشگر دکترا و پسادکترا، پژوهشگری است. پژوهشگری که در حال آموزش نیز است. فرض بر آن است که پژوهشگر دوره دکترا یا پسادکترا در مقاطع قبلی سطح قابل قبولی از دانش کد شده در قالب کتاب یا مقالات را فراگرفته است. آنچه در فرایند آموزشی دانشجوی دکترا مهم است آشنایی با نیازها، پاسخگویی واقعی به تقاضای در دسترس و یادگیری ابعاد نرم یک پژوهشگر حرفه‌ای می‌باشد.

جهت تحقق این امر متقاضیان نیازهای خود را از سه طریق اصلی به اعضای هیات علمی یا دانشگاه‌ها منعکس می‌کنند:

¹ Experiential Learning



الف: تقاضای قراردادهای پژوهشی با دانشگاه

ب: پروژه‌های تعریف شده در صندوق‌های علمی مبتنی بر گرنت دولتی و عمومی (ایجاد صندوق پژوهش‌های علمی کشور می‌تواند نقش کلیدی در این زمینه بازی کند)

ج: مأموریت‌های دانشگاه از محل منابع اختصاصی دانشگاه یا کمک‌ها و حمایت‌های مالی همچون کمک‌خیرین و واقفین

اعضای هیات علمی برای جذب پژوهشگر دکترا و پسادکتر نیازمند داشتن گرنت از این منابع هستند. گرنت مرتبط با تقاضاهای دسته "الف" را عموماً مجموعه‌های صنعتی و اقتصادی تامین می‌کنند. منابع مالی تقاضاهای دسته "ب" از طریق صندوق‌های توسعه علمی و با استفاده از منابع دولتی و عمومی تامین می‌شود. این تقاضاها عمدتاً در حوزه‌های عمومی، علوم انسانی و علوم بنیادین و پایه مطرح می‌شود. دسته سوم نیز مرتبط با مأموریت‌های دانشگاه و از محل منابع اختصاصی دانشگاه تامین می‌شود.

در این فرایند پژوهشگر در هر کدام از مسیرها قرار داشته باشد وارد فرایند پژوهشی و آموزشی مأموریت‌گرا و تقاضا محور می‌شود. در این سازوکار، آموزش در ساحت‌های مختلف از جمله کار تیمی، همکاری، اخلاق حرفه‌ای و سایر ساحت‌های نرم قابل‌گسترش است. بدین جهت پژوهشگران فارغ‌التحصیل شده در این نظام تحصیلات تکمیلی به احتمال بالا، توانمندی‌های نرم و ارتباطی بالاتر نسبت به هم‌ترازان خود در یک سازوکار صرف آموزشی دارد. نتیجه چنین زیست‌بومی به طور خلاصه چنین است:

الف: پژوهشگران دکترا و پسادکتر به جمع پژوهشگران تمام وقت با حقوق و مزایای مشخص می‌پیوندند.

ب: پژوهش‌های دوره دکترا و پسادکتر به محور اصلی آموزش نیز تبدیل می‌شوند و در کنار نیاز محوری، کاربردی و واقعی بودن به ابزار اصلی آموزش‌های نرم و مبتنی بر مربی‌گری در دانشگاه‌ها تبدیل می‌شوند.

ج: اعضای هیات علمی همراه با پژوهشگران می‌توانند از مزایای پیشرفت علمی برخوردار شوند و یک تقاضای فعال در جامعه را با تامین مالی قابل قبول حل نمایند.

د: یک حرکت شتابان برای تربیت نیروی انسانی فرهیخته و آگاه در جهت رفع نیازهای جامعه و صنعت از طرف دانشگاه آغاز می‌شود.

بعد سوم مرتبط با شناسایی و ارزیابی طرح‌های هزینه‌کرد گرنت است که در آن چهار عامل سیاستی مطرح می‌شود. چهار عامل سیاستی مشتمل بر ارائه اولویت‌های سالیانه پژوهشی کشور جهت تخصیص منابع گرنت، ایجاد بانک اطلاعاتی بهره‌برداران از گرنت دریافتی وزارت عتف و ارزیابی نتایج حاصل از منابع تخصیص یافته، تعیین

حداقل خروجی‌های مورد نیاز طرح‌های حمایتی و ایجاد تعهد مورد نیاز در عضو هیات علمی و پژوهشگر جهت تحقق آن و ایجاد سازوکار مالی و اداری تخصیص گرنت در دانشگاه‌ها و نظارت بر هزینه‌کرد آن است. عمده تاکید عامل‌های سیاستی این بعد به تجربه ناموفق گذشته در زمینه پرداخت پژوهانه بوده است که منجر به خروجی محسوس نگرديد. همچنین نبود یا کندی نظام‌های تخصیص گرنت در شرایط کنونی در دانشگاه‌ها نیز از مسائل اصلی پیرامون طرح راهکارهای مذکور بود. عامل‌های سیاستی در این بعد به چالش‌های نبود سازوکار نظارت بر تحقق نتایج حاصل از گرنت‌های پرداختی توسط وزارت و غیر مأموریت



گرا بودن منابع پرداخت شده به دلیل مشخص نبودن اولویت های پژوهشی جهت تخصیص منابع وزارت پاسخ می دهد.